

گزارش «فرهیختگان» از پشت‌صحنه سریال اربعین این روزهای سیما

«طوبی»؛ وقتی اقتباس جواب داد



کیانا تصدقی مقدم خبرنگار گروه فرهنگ

قرامان ساعت ۱۳:۳۰ شهرک غزالی است. آفتاب تابستان تیز است و انگار قرار بر خنک شدن ندارد و همین، گزارش نوشتن را سخت می‌کند. قبل از رسیدن سعی می‌کنم سوال‌هایی که می‌خواهم از سعید سلطانی، کارگردان سریال «طوبی» بپرسم را مرور کنم. حدود یک ساعت زمان می‌برد تا به لوکیشن برسیم. هماهنگی‌های جلویی در انجام شده و بعد از نیم ساعت معطلی وارد شهرک سینمایی می‌شویم. وقتی راننده فاصله رسیدن به لوکیشن اصلی را طی می‌کند، نگاهم به تابلوی لوکیشن مرمز، کاروانسرای معروف فصل ایران مجموعه تلویزیونی سریال «مسلمان فارسی» می‌افتد. قبلاً در موردش مطلبی را منتشر کرده بودیم. در ورود به آن بسته است و کسی اجازه ورود به آن محیط را ندارد.

کمی جلوتر تابلویی دیدم که روی آن نوشته شده بود عمارت طوبی. عمارتی که در این مدت پخش سریال، محل زندگی طوبی در عراق است که با خانواده فخرالدین (امین زندگانی) زندگی می‌کند. نگاهم هنوز به آن مناره‌های بزرگ عمارت است که ماشین می‌ایستد. کنار مغازه‌هایی که در همه فیلم‌های دهه ۲۰ تا ۵۰ دیده‌ایم هنروان نشسته‌اند. انگار هنوز فیلمبرداری شروع نشده. چون منشی صحنه و بقیه در حال گذشتن بین هنروان هستند و آنها را آماده می‌کنند. چادرهای مشکی و لباس‌های عراقی نشان می‌دهد صحنه‌ای که قرار است فیلمبرداری شود، برای فصل زندگی طوبی در عراق است. هنوز خبری از بازیگران اصلی سریال نیست و چهره آشنایی ندیده‌ام. با روابط عمومی صحبت می‌کردیم و گفتیم خوب است که قبل از ضبط با کارگردان گفت‌وگویی داشته باشیم. در حال گفتن این حرف، سعید سلطانی کمی جلوتر از ماشین پیاده شد و با دست به گروه نکاتی را می‌گفت و اطراف را نشان می‌داد تا مقدمات شروع فیلمبرداری را انجام بدهند. بعد از اینکه خودم



را معرفی کردم، خواستم تا قبل از شروع گرفتن سکانس‌ها، با هم حرف بزنیم. با لحنی گرم و صمیمی می‌خندد و می‌گوید: «اگر قول می‌دهید سوال‌های سخت نپرسید و گفت‌وگو بیشتر از ۱۰ دقیقه طول نکشد می‌توانیم صحبت کنیم. باید زودتر فیلمبرداری را شروع کنیم و زمان زیادی نداریم.» بعد از اینکه قول دادم گفت‌وگو طولانی نشود، با راهنمایی یکی از عوامل سریال، وارد یکی از همان مغازه‌های کنار خیابان شدیم. با وجود قولی که داده بودیم اما گفت‌وگو مان ۲۰ دقیقه‌ای طول کشید. با صدای یکی از عوامل که می‌گفت دیر است گفت‌وگو را تمام کردیم، با اینکه هنوز سوال نپرسیده داشتیم.

سعید سلطانی، کارگردان «طوبی» در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

بعد از ستایش نگاهم به سریال سازی عوض شد

۳۴ سال است فعالیت هنری‌اش را شروع کرده، ابتدا به عنوان بازیگر وارد سینما شد و بعد از آن نویسندگی را تجربه کرد. مدت زیادی نگذشت که به عنوان دستیار اول کارگردان در سینما مشغول به کار شد اما از سال ۱۳۷۱ ساخت سریال برای تلویزیون را آغاز کرد. سعید سلطانی با سریال «پس از باران» که در سال ۱۳۷۹ از تلویزیون پخش شد شهرت پیدا کرد. او که در این سال‌ها سریال‌های زیادی برای تلویزیون ساخته و هر سال نامش در تیتراژها دیده می‌شد، بار دیگر با سریال «ستایش» سر زبان‌ها افتاد. یکی از موضوعاتی که سلطانی در ساخت آثارش در این سال‌ها به آن توجه کرده، بحث خانواده است. این کارگردان خانواده را رکن اصلی یک جامعه می‌داند و معتقد است باید به آن پرداخت. او به ساخت آثار تاریخی علاقه دارد اما به دلایلی سال‌ها از این فضا فاصله گرفته بود و حالا بعد از ۲۴ سال سریال تاریخی «طوبی» را روی آنتن تلویزیون برده است. در ادامه با این کارگردان گفت‌وگو کردیم و از او درباره روند تولید این سریال و نوع نگاهش به سریال‌سازی پرسیدیم. متن این گفت‌وگو را در ادامه از نظر می‌گذرانید.



از سریال طوبی شروع کنیم. چرا تصمیم گرفتید اثری اقتباسی بسازید؟
ببینید، این دو بعد دارد. یکی اینکه معمولاً وقتی به ادبیات رجوع می‌کنیم و از آن الهام می‌گیریم، چه اقتباس مستقیم از یک رمان باشد و چه استفاده از داستان‌های ادبی، مطمئناً اثر دیگری‌کننده‌تر و عمیق‌تر می‌شود. این یکی از وجه‌های مهم است. وجه دیگری این است که در تلویزیون انتخاب‌های زیادی ندارید. وقتی یکی قصه خوب دارید و عوامل مناسب برای تولید آن موجودند، تهیه‌کننده‌ای که می‌داند چه می‌خواهد، این فرصت را به شما می‌دهد تا کار را انجام دهید. در مورد طوبی هم شرایط مهیا بود و حامد حسینی به عنوان تهیه‌کننده به ما این نوید را داد که می‌توانیم با حوصله کار را انجام دهیم. خود زمان «اربعین طوبی» که سریال از آن اقتباس شده، این شرایط اولیه را داشت.

یکی از موضوعاتی که در همه سریال‌های شما مثل «پس از باران»، «ستایش»، «رسم عاشقی» و... دیده می‌شود، تاکید بر «خانواده» است. چرا این موضوع برای سعید سلطانی مهم است؟
شما کدام اثر را می‌توانید مثال بزنید که خانواده در آن مطرح نباشد؟ خانواده رکن اساسی جامعه است. وقتی به خانواده می‌پردازید، می‌توانید به جامعه، تاریخ، فرهنگ و باورهای رایج یک جامعه نیز بپردازید. واحد خانواده یک عنصر حیاتی برای درام است. من هم به عنوان کارگردان وقتی به نقش مادر، دختر، خواهر یا هر کاراکتری که از جنس خانم باشد می‌پردازم، روایت محکمی از آن ارائه می‌دهم. شاید به همین دلیل است که این موضوع در آثار من برجسته است و زن‌ها را پرزنگ در داستان‌ها می‌بینم.

شما از دهه ۷۰ وارد عرصه تلویزیون شدید و سریال‌هایی مانند پس از باران و ستایش را ساختید. بعد از سریال پس از باران شاهد بودیم، تعدادی سریال به تبعیت از آن به تاریخ روی آوردند. چرا همیشه به روایت‌های تاریخی علاقه‌مند بودید و سعی کردید تا گوشه‌ای از تاریخ را برای مخاطب تلویزیون بیاورید.
تاریخ جذابیت خاصی دارد و کاوش در آن به‌گونه‌ای است که بیننده دوست دارد با آن روابط تاریخی آشنا شود و آنها را با مقتضیات امروزی تطبیق دهد. درام تاریخی نه تنها به گذشته بلکه به حال و روابط انسانی امروزی نیز می‌پردازد. قصه‌هایی که مولفه‌های انسانی مثل عشق، خیانت و برادری داشته باشند، بیننده با آنها همذات‌پنداری می‌کند.

به عبارت دیگر، با رفتن در دل تاریخ، از امروز انسان معاصر در اثرات سخن می‌گویید. در طوبی چگونه این هدف را به مخاطب رساندید؟
از طریق همین مساله خانواده که پیش‌تر به آن اشاره کردید. خانواده همیشه در طول تاریخ دارای اهمیت بوده؛ چراکه تشکیل دهنده اصلی یک جامعه

آنها زودتر به سمت محل فیلمبرداری رفتند و با راهنمایی یکی از عوامل قرار شد من هم به محل فیلمبرداری برسیم. اول راه را اشتباه رفتم و به سریازان عراقی رسیدم. آنها گفتند که باید به بیابان پشت این مغازه‌ها بروم. چادر بزنتم با پرده سبز کشیده شده بود. یک موکب که پرچم‌های مشکی به آن وصل بود دیده می‌شد. عوامل سریال درحال تنظیم کردن نور و گرفتن تست صدا و بازیگران هم با لباس‌های مشکی منتظر بودند تا با اعلام کارگردان فیلمبرداری را شروع کنند.

شبتم قربانی که نقش طوبی را در این سریال بازی می‌کند، بعد از گرم وارد صحنه می‌شود. یک مانتوی بلند مشکی و روی آن چادر عربی پوشیده بود

نویسنده بسیار توانا و انسان بسیار قابل احترامی است. احاطه کامل ایشان به ادبیات، تاریخ و درام بسیار مثال‌زدنی است. طی ۱۰ سال همراهی و همکاری ذی‌قیمت و ارزشمند با او در سه فصل سریال ستایش، نگاه من به درام و قصه‌گویی تغییر کرد.

همیشه در این سال‌ها با صداوسیما کار کرده‌اید. با وجود شبکه نمایش خانگی پیشنهادی برای ساخت سریال در این پلتفرم‌ها داشته‌اید؟
بله، با یکی از پلتفرم‌ها قرار بود کاری شروع کنیم اما به دلایلی که مربوط به خود آن پلتفرم بود و احتیاط‌های خاص خود من، این اتفاق نیفتاد. تلویزیون وزن و گستره‌ای دارد که پلتفرم‌های خانگی ندارند. البته پلتفرم‌ها هم فرصت‌های خوبی برای نمایش سریال‌ها دارند اما تلویزیون هم جایگاه خود را در این زمینه دارد. امیدوارم این تجربه بین تلویزیون و پلتفرم‌ها، منتقل و منجر به ساخته شدن کارهای بهتر شود.

شنیده‌ام سریال بعدی شما درباره زندگی شریعلی مردان‌خان بختیاری است. در این مورد بگویید.
بله، صحبت‌هایی در مورد ساخت سریالی درباره زندگی علی‌مردان‌خان بختیاری شده است. او یک مرد بزرگ در تاریخ بختیاری‌هاست و مبارزات زیادی داشته. نزدیک ۱۰ سال است که درگیر نوشتن متن این سریال هستیم. هم به دلیل اینکه بختیاری‌های عزیزمان از ما خواستند و همچنین سهمی که تلویزیون باید با پرداختن به شخصیت‌های بزرگی چون علی‌مردان‌خان، میرزا کوچک‌خان و انسان‌های مبارز و صاحب‌اندیشه‌ای از این دست بردارد. اما چون این پروژه در حالت پیش‌تولید قرار دارد و هنوز ساخت آن به قطعیت نرسیده، بگذارید فعلاً درباره‌اش صحبتی نکنم اما امیدوارم که این پروژه به سرانجام برسد.

کار کردن در طی این سال‌ها در تلویزیون چه دستاوردی برای شما داشت؟
هرکاری خاصیت و وزن خودش را دارد. شاید اشتیاقم برای کارکردن نسبت به قبل بیشتر شده باشد. به همین دلیل امیدوارم اتفاق‌های بهتری در این سال‌های پیش‌رو بیفتد.

بازخورد‌هایی که از طوبی گرفتید، شبیه بازخورد‌هایی که از ستایش یا پس از باران گرفتید، بوده است یا خیر؟
البته دوره‌هایی که هرکدام این سریال‌ها ساخته شدند، با یکدیگر تفاوت دارند. اگر به یاد داشته باشید، زمانی که پس از باران پخش می‌شد، برخی از کانال‌های تلویزیون هفته‌ای یک سریال پخش می‌کردند. مثل امروز، رسانه‌تاین‌حد در اختیار مردم نبود و همچنین قدرت انتخاب مردم بالاتر نبود. اما به‌گمانم با تمام سختی‌هایی که در طی مسیرمان بود، مردم سریال را دوست داشتند. یکی از اتفاق‌های خوب سریال طوبی حضور فیلمبردار خوب سینمای ایران، علیرضا زرین‌دست بود. این سریال اولین اثر تلویزیونی پس از انقلاب است

یکی از نقد‌هایی که به سریال طوبی وارد است، سن بازیگران آن است. بازیگران اصلی به نقشی که بازی می‌کنند، نمی‌خورند. این الزام برای استفاده از این بازیگران انتخاب خودتان بود؟

روایت طوبی از دهه ۵۰ شروع می‌شود تا سال ۱۳۸۲، که باید سنین مختلف را در نظر بگیریم. ما دو گزینه برای این کار پیش‌رویمان داشتیم: ۱) باید به‌گونه‌ای بازیگران را انتخاب می‌کردیم که بتوانند این طول زمان را به خوبی ایفا کنند. ۲) باید در زمان‌های گوناگون، بازیگرهای مختلفی را به‌فراخور سن کاراکتر در نظر می‌گرفتیم. به‌گمانم مورد دوم، به دلیل دیر ارتباط‌گرفتن مخاطبان با بازیگران فصل‌های بعد، موجب دورشدن حس‌شان از سریال می‌شد.

همان نقدی که به سریال ستایش هم می‌شد و شما اعتقاد داشتید باید همان بازیگر، نقش سنین میانسالی را بازی کند.

بله. به همین دلیل ما گزینه نخست را انتخاب کردیم. بازیگران اصلی بسیار خوب بودند و علی‌رغم فشار و سرعت کار خوب عمل کردند. امیدوارم که این انتخاب مورد رضایت بیننده‌ها قرار بگیرد.

یک سوال برای کسانی که سریال‌های شما را دیده‌اند، ممکن است پیش‌بیاید. اینکه امکان همکاری دوباره شما با سعید مطلبی بعد از سریال ستایش وجود دارد؟
آرزوی همکاری با ایشان را دارم. آقای مطلبی یکی از پدیده‌های سینما،

و گرم ساده‌ای هم داشت. یکی از خواهرانش در سریال هم او را همراهی می‌کرد. جایی که فیلمبرداری در حال انجام است، یک زمین خاکی است شبیه بیابان، انگار که قرار است این سکانس پیاده‌روی اربعین را به تصویر بکشد. درست مانند کتاب اربعین طوبی که سریال از آن اقتباس شده است. قرار می‌گذارند اول تست بگیرند تا هنروان متوجه شوند هرکدام باید در چه زاویه‌ای حرکت کنند. بعد از گرفتن تست، صدای یکی از عوامل بلند می‌شود و یکی دیگر از بازیگران اصلی را صدا می‌کند. امین زندگانی که نقش فخرالدین را بازی می‌کند، وارد صحنه می‌شود. سریال طوبی روایتگر زندگی یک دختر ایرانی در دهه ۵۰ است که تا دهه ۸۰ قرار است مخاطبان زندگی او را در قالب این سریال ببینند.

صدای سعید سلطانی بلند می‌شود: «سکوت، آماده، همه جای خود، صدا، دوربین، حرکت.» دوربین متمرکز روی شبتم قربانی است، بچه‌های صدا با میکروفن‌های بلند نزدیک بازیگران می‌شوند تا صدای آنها به خوبی ضبط شود. کارگردان کات می‌دهد و وارد صحنه فیلمبرداری می‌شود و نکاتی را به بازیگران اصلی گوشزد می‌کند.

آفتاب هر لحظه داغ‌تر می‌تابد. به دمای هوای روی گوشی که نگاه می‌کنم، گرمای ۴۱ درجه را نشان می‌دهد و این گرما با لباس‌های مشکی و بلند عراقی کار را برای بازیگران سخت‌تر می‌کند. دوباره صدا بلند می‌شود: «سکوت لطفاً، صدا، دوربین، حرکت.»

این بار همان‌طور که سعید سلطانی خواسته بود پیش می‌رود و بعد از تایید کارگردان، تصمیم گرفته می‌شود سکانس بعد از فیلمبرداری کنند و برای فیلمبرداری این سکانس بازیگران باید لباس‌هایشان را عوض کنند و دوباره گرم شوند. قرار است ماشین‌هایی را برای سکانس بعدی به صحنه بیاورند. ساعت ۴ عصر را نشان می‌دهد و باید به روزنامه برگردم اما انگار فیلمبرداری تازه تئورش گرم شده؛ هرچند هوا به سمت خنکی می‌رود و همین باعث می‌شود گروه کارشان را ادامه بدهند.

که ایشان در آن به عنوان مدیر فیلمبرداری حضور دارند. زرین‌دست هم مثل مطلبی صاحب همان نگاه تازه و آموزنده است.

۳۴ سال است به عنوان کارگردان در عرصه سریال‌سازی فعالیت داشته‌اید. اگر نگاهی به این سال‌هایی که گذرانید بکنید از کارنامه کاری‌تان راضی هستید؟
اگر به ۳۴ سال قبل برمی‌گشتم، همین راه را ادامه می‌دادم ولی خیلی از کارها را نمی‌کردم. ما نمی‌توانیم درباره آینده قضاوت داشته باشیم اما فکر می‌کنم در موقعیتی که قرار داشت بهترین کارها را انجام دادم. البته الان قضاوت‌م نسبت به گذشته فرق کرده اما امیدوارم به لطف خدا در آینده هم همه چیز درست پیش‌برود.

